

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

آثار دیدگاه های مثلی یا قیمی بودن اسکناس

در مورد اینکه آیا پول کاغذی - یعنی پولی که امروز رایج است - عنوان مثلی را دارد یا قیمی؟ مجموعاً چهار نظریه مطرح می شود و مشهور فقها قائلند به اینکه پول عنوان مثلی را دارد. آثار این چهار نظریه را يك اشاره‌ی اجمالی می کنیم: 1- اگر قائل شدیم به اینکه اسکناس عنوان مثلی را دارد، اینجا کسی که يك مقدار اسکناس را به دیگری قرض می دهد و بعد می خواهد از او پس بگیرد، همان مقدار را بیشتر استحقاق ندارد، اگر کسی ده سال پیش ده هزار تومان قرض داده، الآن هم همین ده هزار تومان را استحقاق دارد و اگر قرض کردیم که بعد از گذشت ده سال ارزش این پول کاهش پیدا کرده اگر این شخص از اول بخواهد جبران کاهش ارزش پول را شرط کند این شرط عنوان ربوی را پیدا می کند، بنا بر اینکه ما بگوئیم اسکناس عنوان مثلی را دارد، مثل ده هزار تومان همین ده هزار تومان حالا است، اگر با ده هزار تومان قدیم مثلاً ده کیلو گوشت می خریده، با ده هزار تومان حالا يك کیلو گوشت می تواند تهیه کند. اگر از اول شرط کند که شما ده سال دیگر که می خواهی پول را به من برگردانی این کاهش ارزش اسکناس را به همین مقدار جبران کن، این شرط زیاده است و عنوان ربوی را پیدا می کند. پس بنا بر قول مشهور که اگر ما گفتیم این عنوان مثلی را دارد، در اسکناسی که قرض می دهد اگر جبران کاهش ارزش را شرط کند، این عنوان ربا را پیدا می کند. 2- بنا بر قول دوم که بگوئیم این اسکناس عنوان قیمی را دارد، می گوئیم باید در این زمان همان ارزش ده هزار تومان ده سال پیش را بپردازد چه شرط بکند و چه شرط نکند، یعنی اگر ده سال پیش با ده هزار تومان ده کیلو گوشت می توانست تهیه کند، الآن هم باید يك مقدار پولی به او بدهد که بتواند همان ده کیلو گوشت را تهیه کند.

چه شرط کند چه شرط نکند بنا بر اینکه اسکناس قیمی باشد این بر عهده‌ی او آمده و اگر هم شرط کند اثری ندارد، علاوه بر اینکه این شرط عنوان ربا را ندارد، بگوید من الآن ده هزار تومان به تو قرض می دهم به شرط اینکه ده سال دیگر برابر ارزش پولی الآن شما به من بپردازی، این عنوان ربا را هم ندارد، این صدق زیاده نمی کند، بنا بر اینکه ما آمدیم گفتیم اسکناس عنوان قیمی را دارد دیگر صدق زیاده نمی کند و آن گیرنده ضامن ارزش و قدرت این پول است. 3- بر طبق قول به تفصیل که بگوئیم اگر فاصله‌ی زمانی قرض دادن تا ادا کردن قرض، يك فاصله‌ی کم باشد، این پول مثلی است، مثلاً ده روز پیش به شما هزار تومان قرض داده الآن هم همان مقدار را باید بدهی، اما اگر فاصله‌ی زمانی زیاد باشد و در آن کاهش باشد، این عنوان قیمی را پیدا می کند، روی این قول هم آنجایی که فاصله‌ی زمانی کم است چنین شرطی عنوان ربا را دارد، اگر الآن بگوید هزار تومان به تو می دهم، پنج روز دیگر تو هزار و صد تومان به من بده، این عنوان ربا را دارد، اما اگر فاصله‌ی زمانی زیاد باشد چون در فاصله‌ی زمانی زیاد عنوان قیمی را پیدا می کند، این عنوان ربا را ندارد و اساساً عرض کردیم در فرضی که ما بگوئیم عنوان قیمی را دارد نیاز به این شرط نیست، آن گیرنده ضامن ارزش و قدرت خرید این پول است، قدرت خریدی که در این پول وجود دارد. 4- اگر گفتیم پول نه مثلی است و نه قیمی، نتیجه اش این است که این احکامی که الآن برای مثلیات بار است بر پول بار نیست، مثلاً شما ببینید وقتی می گوئیم پول مثلی است، من اگر يك هزار تومانی از کسی گرفتم، اگر عین همین هزار تومانی که

دست من موجود است، من حق ندارم هزار تومان دیگری به او بدهم، همان را باید بدهم، چون می‌گوئیم پول مثلی است، در جایی که عین موجود است باید عین را بدهد و در جایی که عین موجود نیست مثل را بپردازد، در حالی که امروز همه قبول دارند اگر من یک هزار تومانی گرفتم هزار تومان دیگری به شخص بدهم، هیچ کس نمی‌گوید در اینجا ظلم و تعدی‌ای شد و حقی از بین رفت، چنین چیزی نیست. اگر ما آمدیم گفتیم پول نه مثلی است و نه قیمی، که دیروز دو دلیل بر این مدعا اقامه کردیم. آن وقت نتیجه این است که نه احکام خاصه‌ی مثلیات بر آن بار می‌شود و نه احکام خاصه‌ی قیمیات. بستگی دارد به کیفیت اعتباری که اعتبارکننده کرده است.

اگر امروز گفتند اعتبار می‌کنیم 20 هزار تومان الآن به اندازه‌ی 10 هزار تومان دو سال پیش است، همین برای ما قابل قبول است، امروز گفتند اعتبار می‌کنیم پنج هزار تومان حالا به اندازه‌ی ده هزار تومان قبل است همین را قبول می‌کنیم، بستگی دارد به اینکه اعتبارکننده معادل آنچه تلف شده یا قرض داده شده، معادل او را چه چیزی قرار می‌دهند؟ می‌گوید ما نمی‌توانیم بیائیم خصوص احکام مثلی را بار کنیم یا خصوص احکام قیمی را؟ در بعضی از موارد اعتبار درست مطابق با همان احکام مثلی می‌شود، اعتبارکننده اگر الآن گفت هزار تومان حالا هم همان هزار تومان است، اینجا شبیه مثلیات می‌شود، اعتبارکننده اگر الآن گفت ده هزار تومان حالا هزار تومان گذشته است، ما باید ده هزار تومان را در مقام اداء بگیریم، اعتبارکننده گفت صد تومان حالا به اندازه‌ی هزار تومان گذشته است همین طور باید عمل کنیم، ما دیگر تابع کیفیت اعتبار هستیم، چون اینجا برای برخی این توهّم ممکن است بیاید که اگر گفتیم پول نه عنوان مثلی را دارد و نه عنوان قیمی را دارد، حتماً مسئله‌ی ارزش پول مطرح است، حتماً آن قدرت خرید مطرح است. ما نمی‌خواهیم بیائیم بحث را روی مسئله‌ی قدرت خرید و روی ارزش پول فقط مطرح کنیم که اگر اینطور مطرح کنیم نتیجه‌اش دائماً با قیمیات یکسان می‌شود، ما می‌گوئیم نه! شما ببین اعتبارکننده چطور اعتبار می‌کند، آیا در زمان حاضر که زمان اداء است، معادل او را اعتبارکننده چگونه قرار داده؟ در اموال حقیقی، در جایی که مالیت حقیقی است ملاک مثل برای ما روشن است، در اموال اعتباری ما باید بگوئیم که اعتبارکننده چه چیزی را عوض آن می‌بیند؟ آیا بعد از ده سال اعتبارکننده می‌گوید هزار تومان همان هزار تومان است، یا می‌گوید اگر پنج هزار تومان همان پنج هزار تومان است! باید ببینیم اعتبار مساوی با چیست؟ سیر بحث را دقت کنیم، ما یک مقدار راجع به حقیقت پول صحبت کردیم، راجع به حقیقت مال صحبت کردیم، اقوال را در اینکه آیا اسکناس مثلی است یا قیمی؟

این را ذکر کردیم و خودمان دلیل آوردیم بر اینکه نمی‌شود گفت اسکناس مثلی است یا قیمی؟ از آن اقسام و آن مقسم خارج است و این بستگی دارد به نحوه‌ی اعتبار اعتبارکننده، ممکن است که اعتبارکننده به مثل مثلیات برایش اعتبار کند، در بعضی از جاها مثل قیمیات برایش اعتبار کند، این بستگی دارد به نحوه‌ی اعتبار. مرحوم والد(ما رضوان الله علیه) معتقد بودند به اینکه پول و اسکناس مثلی است، همین نظر مشهور معاصرین را داشتند، ایشان می‌فرمودند ما اگر بگوئیم پول قیمی است، اصلاً باب ربا به طور کلی بسته می‌شود، دیگر ربایی نداریم برای اینکه هزار تومان ده سال پیش می‌شود بیست هزار تومان حالا، اگر ده سال پیش گفت هزار تومان به تو قرض می‌دهم به شرط اینکه ده سال آینده به من بیست هزار تومان بدهی این نباید بشود ربا، این زیاده نیست بلکه روی مبنای اینکه اسکناس عنوان قیمی را دارد همان اسکناس است. برای اینکه قیمی بودن را رد کنند می‌آمدند متوسل می‌شدند به اینکه دیگر ربا پیش نمی‌آید، احکام ربا بسته می‌شود، باب ربا بسته می‌شود. جواب این است که حالا اگر کسی آمد هزار تومان داد و گفت ده روز دیگر به من هزار و صد تومان بده و در این مدت ارزش پول کاهش پیدا نکرده باشد، این مسلماً ربا می‌شود ولو ما آن را هم قیمی بدانیم. آمد گفت هزار تومان به شما قرض می‌دهم دو ساعت دیگر هزار و صد تومان به من بده، یقین داریم هیچ تغییری در ارزش پول ایجاد می‌شود و این مسلماً ربا است، یعنی این فرمایش ایشان در بعضی از موارد می‌گوید عنوان ربا را ندارد، اگر این زیاده درست منطبق بر مقدار تغییر در ارزش پول باشد، اینجا دیگر عنوان ربا را ندارد اما معنایش سد باب ربا نیست، موارد زیادی وجود دارد که می‌گوید الآن صد تومان به تو می‌دهم، دو ساعت دیگر شما صد و ده تومان به من بده در حالی که ارزش پول کم و زیاد نشده است.

شما در این دیرکردی که در بانک‌ها وجود دارد، روز جمعه تاریخ پرداخت وام‌تان واقع شده و در آن روز بانک بسته است اما

شما که شنبه می‌روید قسطنطنیه را بپردازید همان تأخیر یک روزه را از شما می‌گیرند، اینکه می‌آیند تأخیر یک روزه را از شما می‌گیرند روی این حساب است که ربا می‌شود، بحث ارزش پول و کم و زیادی ارزش پول نیست، ربح پول است یعنی ربا را برای یک ساعت و یک روزه حساب می‌کنند ولو اینکه کاری به ارزش و کاهش ارزش پول ندارد. این شاهد خیلی خوبی است که عرض کردیم شما اگر هزار تومان از کسی قرض کردی و داخل جیب گذاشتی و از جیب دیگری یک هزار تومانی دیگر به شخص دادی، اینجا شما مال او را رد نکردی، در عرف و مردم و عقلائی دین فرض کنید هزار تومانی‌اش نه نو است و نه کهنه است، نه یادداشتی دارد و نه بزرگی به او عیدی داده است، هیچ عنوانی ندارد که بگوئیم برای او خصوصیتی دارد، بلکه یکی از هزار تومانی‌های معمولی است، ظاهرش این است که هیچ فرقی نمی‌کند در حالی که اگر ما آمدیم مسئله‌ی مثلی بودن را مطرح کردیم تا مادامی که عین باقی است خود عین را باید رد کنیم، اگر قیمتی نبود نوبت به مثل می‌رسد، معلوم می‌شود که مثلی و قیمتی وصف برای اعیانی است که آن اعیان خودش موضوعیت دارد، مثلی و قیمتی وصف است و اقسام است برای اعیانی که خود آن اعیان موضوعیت دارد، این فرش خودش موضوعیت دارد، آن فرش خودش موضوعیت دارد، این کتاب خودش موضوعیت دارد، اما در پول اگر ده تا هزار تومانی اینجا باشد هر کدام را یک نفر آمد برداشت و قاطی هم بشود، چه اشکالی دارد! ده نفر هستند و هر کدامشان یک هزار تومانی را برداشتند، اینجا نمی‌گوییم که باید مصالحه کنید و هر کدام با اجازه‌ی دیگری هزار تومانی را بردارید، خود این هم یک قرینه‌ی روشنی است در اینکه مثلی و قیمتی وصف و اقسام برای پول نیست و پول از مقسم این مثلی و قیمتی خارج است، مقسم مثلی و قیمتی اعیانی است که خودش یک خصوصیت و موضوعیت خارجی داشته باشد و پول این چنین نیست. بنابراین این هم یک شاهد قوی است بر اینکه پول عنوان مثلی را ندارد.

خرید و فروش چک

در مسئله‌ی خرید و فروش چک، در آنجا واقعاً خود چک خرید و فروش نمی‌شود در حقیقت چه چیزی مورد معامله قرار می‌گیرد؟ ما فی الذمه، یعنی من که الان از شما طلب دارم و شما آمدید در مقابل این طلب یک چک به من دادید و این چک مال یک سال دیگر است، من می‌آیم این چکی که حاکی از یک اشتغال ما فی الذمه‌ای هست، این چک را به شخص ثالثی می‌فروشم، مثلاً چک یک میلیون که مال یک سال دیگر است می‌فروشم به هشتصد هزار تومان، این را هم می‌گویند مانعی ندارد، چرا؟ چون در حقیقت من چک را نفروختم چون مالیت ندارد، چک سند مال است و خودش مال نیست، شما اگر در منزلتان صدها هزار از این قطعه چک هم داشته باشید مال نیست، تا ذمه‌ای مشغول نباشد مال نیست، اما مالک آن ذمه هستید و چون مالک هستید می‌آید آن ذمه را می‌فروشید، آن ذمه مال خودتان است، همان طوری که مثلاً من اگر رفتم از ایشان یک کتابی به هزار تومان خریدم، بعد بیایم به شما بگویم من این کتاب را به شما به هفتصد تومان می‌فروشم، معامله درست است یا نه؟ الان هم که ایشان به من بدهکار است و ذمه‌اش مشغول است، من این ذمه‌ی مشغول به یک میلیون تومان را به نهصد هزار تومان می‌فروشم و اشکالی ندارد. من اگر خودم همینطور چک بکشم بدون اینکه ذمه‌ای مشغول باشد، یک چک یک میلیون به دیگری نهصد هزار تومان بفروشم این معامله باطل است و ربا می‌شود، اما از آنجایی که ذمه‌ای مشغول باشد عنوان ربا را ندارد. عنوان این بحث را عرض می‌کنم تا رویش فکر بفرمایید؛ مطلبی را که باید روشن کنیم این است که ما در بازار چیزی داریم به نام قیمت سوقیه، در اشیاء خصوصیات ذاتی اشیاء، یعنی اگر ما بخواهیم بگوئیم مثل، این مثل باید در خصوصیات ذاتی مثل او باشد، در بعضی از خصوصیات عرضی هم مثل او باشد، مثلاً اگر فرض کنید من یک شیر تازه را از بین بردم مثل آن یک شیر تازه‌ی گوسفند است و یک شیر یک روز مانده نیست، اگر یک میوه‌ی تازه را از بین بردم باز مثلش یک میوه تازه است، که اینها از خصوصیات عرضیه است، در مثل این خصوصیات عرضیه ملحوظ واقع می‌شود. حالا آیا قیمت سوقیه هم از اوصافی هست که ما بگوئیم اوصاف ذاتیه و عرضیه هم دخالت دارد یا نه؟

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین